

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

علی صدارت
۲۳ نومبر ۲۰۱۳

ابهام در لائیسیته و نیاز به شفاف‌گردانی این و سایر مفاهیم مردمسالاری: اعلامیه جهانی لائیسیته به مناسبت یکصد و هشتمین سال‌گرد قانون لائیسیته

۱

ماه دسمبر، در محفوظات تاریخی مربوط به لائیسیته اهمیت خاصی دارد و به مناسبت و به پیشواز آن، بحثی را در یکصد و هشتمین سال‌گرد آن قانون می‌گشایم. در دسمبر ۱۹۰۵ آقای ژول فری قانون لائیسیته را به مجلس فرانسه برد. روندی که در آن روزگاران منجر به این قانون‌گذاری شد، از جمله جدل مابین پوزیتیست‌ها و کلیسا بود که با اعلام آقای فری در مجلس: "...تکلیف دین را مدرسه معین می‌کند..." با توجه با فراز و نشیب‌هایی که در طول این یکصد و هشت سال و در عرض جغرافیا در دنیا و به ویژه در منطقه و خصوصاً در سه دهه اخیر در وطن خود شاهد آن بوده‌ایم، به نظر صاحب این قلم، **تکلیف دین را خود انسان معین می‌کند**. در فرانسه ۱۹۰۵ بنا بر این بود که علم و تجدد و دانش، به برهه دین‌باوری و دین‌داری، پایان خواهد داد. "انقلاب مسیحی" روندی کند داشت و چند قرن به طول انجامید تا مسیحیت قرون وسطی به طور عام، و مذهب کاتولیک به طور خاص، منقلب شد و به شکلی که امروزه می‌بینیم رسید. لائیسیته در مقابل کشیش‌گرایی و کلرکیسم قد علم کرد. در تاریخ معاصر ایران، تجربه ایرانیان و قانون اساسی جمهوری اسلامی، در خلاف جهت این جریان شنا کردن بوده است. از جمله به این دلیل بود که "انقلاب اسلامی" در روندی شتابگیر در سه دهه، امروزه به اینجا رسیده است. با تفسیر "خلیفه‌گری" از "جمهوری" و با ابداع "ولایت فقیه" در "اسلام" می‌بینیم که "جمهوری اسلامی ایران" در عین این که نه جمهوری است و نه اسلامی، حتی با ایران و ایرانی و ایرانیت هم در تضاد مستقیم واقع شده است. این روند، حیات ملی ما را هرچه بیشتر به لبه پرتگاه نزدیک می‌کند، و این در حالی است که مهره‌های فراوان و رنگارنگی که در مقامات کلیدی این رژیم از پی هم می‌آیند و می‌روند، این نظام را هرروزه اصلاح‌ناپذیرتر می‌کنند. "دولت دینی" که منظور نظر بعضی دست اندرکاران بود، هر دوی این لغات را از معنا تهی کرده و به "دین دولتی" مبدل شده است. ظرف سه دهه گذشته در این نظام، هم دین و هم دولت پیوسته از آنی که باید در قرن بیست و یکم باشند، دور و دورتر می‌شوند، قدرت‌مداران در داخل و خارج کشور، در شعار "حفظ نظام، از اوجب واجبات است" با آقای خامنه‌ای هم‌صدا شده‌اند.

امروزه بار دیگر، قد لائیسیته علم شده است و اینبار در میهن ما. این قد برافراشتن از سوئی در مقابل آخوندگرایی و اسکولاستیک حوزه ئی فقهاتی است، و از سوی دیگر در مقابل دین‌ستیزان و تبعیض‌گران که در ظاهر در خط

"مخالفان رژیم" قرار دارند و بر چهره، مشاطه "لائیک" و "سکولار" و "اپوزیسیون" را دارند ولی در باطن همان تبعیض‌های رژیم ولایت فقیه را با همان محتوا ولی با صورتی دیگر اعمال می‌کنند. لازم است یادآور شد که تازه اینها در این زمان بر اریکه قدرت نیستند و برای رسیدن به "هدف" هر "وسیله‌ای" را روا می‌دارند، فغان بر ما که اگر امروز و فردا هم چون دیروز، ما مردم، جوشش را از میدان جنبش دریغ کنیم و در انفعال، عرصه خالی اعمال حاکمیت که متعلق به جمهور شهروندان است را دودستی تقدیم زورپرستان آینده کنیم.

در این واقعیت که این رژیم رفتنی است، کمتر کسی شکی دارد. لازم به تأکید است که برای استقرار و استمرار مردمسالاری در ایران، هیچ راه دیگری وجود ندارد مگر این که ما مردم، به خود و به سالاری خود، و به دارا بودن لیاقت سالاری، باورمند باشیم و با اعتماد به نفس فردی و با تشکیل بی‌شمار هسته‌های حقوق‌مدار، با اعتماد به نفس ملی، عرصه تعیین سرنوشت خود را خالی نگذاریم که قدرت‌پرستان دیگری، با شکل و ظاهر دیگری، با چماق عقیده و یا دین دیگری بر سر مردم بکوبند و امید سالاری را از سر مردم بزدایند. بن‌مایه تفکر و تعقل ما، دین و عقیده ما را، و آن هم به نوبه خود، سرنوشت ما را تعیین می‌کند. آن که سرنوشت مردم را تعیین می‌کند، همان سالار خواهد بود. در ایران امروز، از مردمسالاری اثری نیست زیرا که این زورمداران هستند که دین و عقیده و در نتیجه سرنوشت ما را تعیین می‌کنند. تکلیف دین و عقیده را ما خود مردم هستیم که باید تعیین کنیم و گر نه انواع زورمداران یکی پس از دیگری، برای تکتک ما مردم، دین و عقیده مناسب با زور و تضاد و تخریب و خشونت و قدرت و توازن قواء را تعیین خواهند کرد.

لائیسیته را در مفهومی بالینی و معنایی عمل‌گرا، به این ترتیب ارائه کرده‌ام:

این که هر فردی مختار باشد که به طور هرچه خودانگیخته‌تر، عقیده و دین را بدون هیچ اکراهی اتخاذ کند؛ و این که هر فردی مختار باشد که به طور هرچه خودانگیخته‌تر، نوع آن عقیده و دین را بدون هیچ اکراهی، خودش انتخاب کند؛ این خودانگیختگی است که لائیسیته را در سطح افراد و هسته‌های مردمی و به تبع آن در سطح جامعه و ملت به طور عملی متبلور می‌کند. این تبلور، با اشراف به حقوق ذاتی بشر، و بر اساس این حقوق (از جمله استقلال و آزادی) استوار است. یک چنین جامعه و ملتی به این ترتیب، یک قانون اساسی تدوین می‌کند که مملو از حقوق و خالی از مرام باشد و بدین ترتیب مردم به طور مداوم، لائیسیته را هرچه بیشتر به دولت تحمیل می‌کنند که دولت نسبت به نهادهای دینی و عقیدتی، پیوسته بی‌طرف‌تر بگردد، و قلمرو خصوصی از تجاوز قلمرو عمومی، پیوسته به میزان بیشتری مصون بماند.

تکلیف دین و عقیده را، خود مردم معین می‌کنند، و نه مدرسه و نه مسجد و نه دولت.

تذکر این امر در همینجا بسیار مهم است که یک فرد نمی‌تواند لائیک باشد. ولی یک فرد و افراد و هسته‌های مردمی و در نهایت جامعه و ملت اول باید خود به لائیسیته باورمند باشند تا بتوانند یک قانون اساسی تدوین کنند که خالی از مرام و مملو از حقوق باشد. افراد و جوامع باید با عرفان به حقوق فردی و ملی خود، بتوانند بی‌طرفی را از دولت نسبت به بنیاد دینی و عقیدتی، طلبکارانه مطالبه کنند. مردمسالاری (و همه مفاد آن از جمله لائیسیته) یک فرهنگ است. در یک کشوری که ملتی کم‌آشنا و یا ناآشنا با فرهنگ مردمسالاری دارد نمی‌توان تصور کرد که یک دولت دیکتاتور و سرکوبگر وجود نداشته باشد. و همچنان که دیدیم دموکراسی را با زور "رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ" و یا قشون‌کشی به کشوری (عراق و افغانستان) نمی‌توان به دست آورد. مردمسالاری یک فرهنگ است که باید به دست خود ما مردم ساخته و پرداخته شود. بدون فعالیت فرهنگی همه ما مردم، فرهنگ مردمسالاری و خشونت‌زدایی و حقوق‌مندی به وجود نمی‌آید. تعداد انواع و اقسام فعالیت فرهنگی به عدد افراد و هسته‌های مردمی، متعدد است. کمترین فعالیتی که می‌توان در امنیت کامل انجام داد، اینست که چند نفری از دوستان و آشنایان که در سلايق و افکار با همدیگر

بعضی نقاط مشترکی دارند و به مناسبت‌های مختلف در کنار هم اوقاتی را طی می‌کنند، با اختصاص دادن مدت زمان کوتاهی از نشست و برخاست‌های معمول خود، به مفاهیم (۱) مربوط به مردمسالاری و شهروندی بپردازند. به این ترتیب است که فرهنگ مردمسالاری، از جمله لانیسیته، در جامعه تولید و منتشر می‌گردد و به این ترتیب است که مقدمات استقرار و استمرار مردمسالاری، یک مردمسالاری پویا و به نقطه برگشت‌ناپذیر رسیده، در وطن مهیا می‌شود. شهروندان برانزنده این نام، در همین دور هم جمع شدن‌ها است که "هسته‌های مردمی" (۲) را تشکیل می‌دهند و با اعتماد به نفس فردی و ملی، در تعیین سرنوشت خویش، نقش‌آفرین می‌گردند (۳).

پس ضروری و بلکه حیاتی است که مردمسالاری و ویژگی‌های آن به طور هرچه شفاف‌تر توضیح داده شده و در اختیار تعداد هرچه بیشتری از شهروندان قرار گیرد و مفاد و اصول آن به شکل هرچه آسان‌تر (۴) و قابل‌فهم‌تر، در جامعه به بحث گذاشته شود.

هنر آن نیست که پیچیده بگویی سخن ساده خود را---- لیک گر ساده بگویی تو معمای جهان، آن هنر است!

از جمله از اصول و مفاهیم مردمسالاری، می‌توان به استقلال (۴)، آزادی، لانیسیته (۵) (۷) (۸)، رسانه‌های همگانی (۹)، جمهوریت، رشد بر میزان عدالت، احترام به تنوع قومی و فرهنگی، پاسداری از محیط زیست و میراث‌های تاریخی و فرهنگی، برابری در مقابل قانون،... اشاره نمود. در این باب "مجامع اسلامی ایرانیان" (۱۰) و "همبستگی ملی جمهوری‌خواهان ایران" (۱۱) متون خوب و پیشروئی را به جامعه ارائه کرده‌اند که لینک آنها (۱۰) (۱۱) در ذیل آورده شده است.

در عصر حاضر دولت به مثابه کانون توازن قوای داخلی و خارجی است و به این ترتیب شکل می‌گیرد. با این توجه، جنس دولت از قدرت است و متناسب با میزان منفعل بودن شهروندان، به سمت دیکتاتوری و تمامیت‌طلبی میل می‌کند. هرچه شهروندان و هسته‌های مردمی در عرصه تعیین سرنوشت خویش بیشتر حاضر بمانند، به همان درجه از عیار قدرت در آلیاژ دولت کاسته می‌گردد و به این ترتیب جامعه به سمت الگوی مردمسالاری مستقیم مشارکتی مشاورتی، به پیش می‌رود. در چنین روندی، نقش افکار عمومی غیر قابل انکار است و سیر آزاد اندیشه و خبر و نظر در پیشبرد جامعه به سوی این الگو نقشی حیاتی دارد. در این زمانه جای خالی رسانه‌های همگانی به عنوان شاخه چهارم دولتی حقوق‌مدار نمایان است.

دین و عقیده از جمله ابزاری مهمی است که دولت برای تمرکز قدرت و افزایش سرکوب و خشونت (۱۴) و اعدام، به کار می‌برد. بعد از مدتی، در عمل آن دین و عقیده، در خشونت و تخریب، به نقطه مقابل خود مبدل می‌گردد. در جامعه‌ها عده معدودی، آن دین و عقیده را توجیه‌گر انتخاب هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف موعود می‌کنند. به این ترتیب قدرت‌مداران و زورپرستان "دیکتاتوری صالح" و یا "حزب پیشرو" و یا "اسلام ناب محمدی" و یا "ایدئولوژی شاهنشاهی" و "دروازه‌های تمدن بزرگ" را هدف قرار داده و با شست و شوی مغز عوامل اختناق و سرکوب، برای رسیدن به آن هدف، هرگونه وسیله ضد آن را حلال و ضرور تبلیغ می‌کنند. غافل از این که وسیله، آئینه‌ای از هدف است. اگر بخواهیم چهره واقعی یک "هدف" را در آینده دور و نزدیک به وضوح ببینیم، باید در آئینه "وسيله"‌هائی که برای رسیدن به آن "هدف" استفاده می‌شوند بنگریم. با نگرش به وسایل به کار برده شده توسط هر فرد و گروهی است که اهداف واقعی آنها را می‌توان به وضوح پیش‌بینی نمود. اهداف واقعی، (چه خواسته و دانسته و یا چه ناخواسته و ندانسته)، هر فرد و گروهی را در وسیله‌هائی که توسط آنها به کار برده می‌شود می‌توان به روشنی مشاهده نمود.

با توجه به تکاثر واضح در باور و دین و عقیده مردمان، در کشور و در جهان، نیاز است که گفت و گوهای سازنده بین افراد جریان داشته باشد که با استفاده از سیر آزاد اندیشه و خبر و نظر، از میزان خشونت‌ها در جوامع بشری و در

دنیا کاسته شود. با تلاش برای اشاعه بحث آزاد و تحمل عقاید و دین و باورهای دیگران و ترویج کثرت‌گرایی و روشهای خشونت‌زدایانه است که تصور یک جامعه همساز، در یک کشور و در جهان، متصور می‌گردد.

به مناسبت یکصدمین سالگرد قانون لائسیته، در تاریخ نهم دسامبر ۲۰۰۵ "[اعلامیه جهانی لائسیته در قرن ۲۱](#)" (۱۶) در مجلس فرانسه ارائه شد. متن این اعلامیه توسط تعدادی اکادمیسین از نقاط مختلف دنیا، به زبان فرانسه (۱۶) تدوین گردید و از فرانسه به فارسی ترجمه شد (۱۵). در آستانه یکصد و هشتمین سالگرد قانون لائسیته، ترجمه متن انگلیسی (۱۲) (این اعلامیه را، که در جای دیگری ندیده‌ام، با امید افزایش تبادل نظر و بحث و گفت و گو در این زمینه به هموطنان گرامی تقدیم می‌کنم.

کلمه "لائسیته" فرانسوی است. این کلمه که ریشه فرهنگی یونانی آن "لائوس" به معنای "آحاد مردم" است را به سال ۱۸۴۲ در فرانسه پی‌گیری کرده‌اند. ولی در سال ۱۸۷۱ به واسطه کارزار کوتاه کردن دست معلمهای دینی از دبستانها بود که مصرف این لغت در فرانسه جا افتاد. ترجمه فارسی خوبی از کلمه لائسیته ارائه نشده است و در این نوشته هم از همین لغت که سابقه تاریخی طولانی دارد، استفاده شده است.

لائسیته در فرهنگ انگلوساکسون و کشورهایی که مذهب پروتستان شایعتر است، کمتر به کار می‌رود. در این کشورها بیشتر از لغت "سکولاریسم" استفاده می‌شود. دو مقوله لائسیته و سکولاریسم یک معنی را حکایت نمی‌کنند و کاملاً از هم جدا هستند. به نظر من این دو لغت، تاریخچه و معانی کاملاً متفاوتی دارند و یکی را به جای دیگری نمی‌توان به کار برد.

با توجه به تاریخ سیاسی دینی در ایران و در منطقه، به خصوص در سه دهه اخیر، نگرش به لائسیته را برای استقرار و استمرار مردمسالاری در وطن، بسیار مناسبتر می‌دانم تا سکولاریزاسیون.

متن حاضر که تقدیم همزبانان گرامی می‌گردد، از روی متن فرانسه به زبان انگلیسی ترجمه شده است و کمبودهایی دارد. انتقاداتی هم به بعضی مفاهیم به کار برده شده وارد است که باید در تحقیق آنها کوشید. در این ترجمه تلاش کرده‌ام متنی را ارائه دهم که حتی‌الامکان ترجمه لغت به لغت متن انگلیسی باشد و از تأویل و تفسیر و ابراز نظر شخصی پرهیز کرده‌ام.

جای تعجب است که این اعلامیه، به رسانه‌های همگانی اشاره نمی‌کند و این را یک کمبود عمده برای این متن می‌دانم. چگونه بتوان اطلاعیه‌ای در باب مردمسالاری و حقوق بشر و باور و عقیده و نظر و دین و اندیشه تدوین کرد، بدون این که در آن به سیر آزاد و مستقل اندیشه و نظر و خبر اشاره شود؟ در فراخوان جبهه از طرف "مجامع اسلامی ایرانیان" و در پیمان و "همبستگی ملی جمهوری‌خواهان ایران" به نقش رسانه‌های همگانی و به عنوان [شاخه چهارم](#) (۱۳) دولت پرداخته شده است. ولی در بیشتر اساس‌نامه‌ها و مرام‌نامه‌ها و منشورهای که توسط تشکیلات مختلف تدوین شده، به این مهم کمتر توجه مبذول گردیده است.

امید دارم که همه کسانی که این مقاله در اختیارشان قرار می‌گیرد و آرزو دارند که در منطقه و در دنیا، از میزان خشونت و جنگ و تخریب و فقر و خودتخریبی کاسته شود، با اشاعه فرهنگ تکررگرائی و تحمل دیگران و احترام به دین و عقیده دیگران، عقیده و دین را که به صورت وسیله‌ای مؤثر در دست زورمداران و خشونت‌طلبان قرار دارد، به حوزه خصوصی مردم باز گردانند، و در این جنبش، خودجوشانه بکوشند و در انتشار این مقاله و مطالبی از این دست، فعال شوند. به باور من، فعالیت سیاسی را نباید منحصر به وزیر و وکیل و افراد و تشکیلات خاصی دانست. بایسته است که به فعالیتها برای برپائی و پویائی مردمسالاری، و برای فرهنگ‌سازی متناسب با آن، به عنوان وظیفه‌ای برای خود و برای همه شهروندان نگریسته شود. ساختن فرهنگ مردمسالاری از خود هر فردی شروع می‌شود و این فرهنگ، با درآمیختن با سایر افکار، صیقل پیدا می‌کند. به منظور برانگیختن و درآمیختن با سایر افکار، در این عصر

انواع "رسانه"ها در اختیار همگان است. "رسانه‌های مردمی" که از جمله می‌تواند به سادگی به اشتراک گذاشتن مطالب از طریق ارسال ایمیل باشد، امروزه در اختیار اکثر افراد موجود است. عدم پذیرش جفای بی‌تفاوتی و انفعال، و شرکت در نوعی از انواع فعالیت سیاسی به معنی مشارکت در ساختن فرهنگ مردمسالاری و حضور در عرصه تعیین سرنوشت فردی و ملی، لازمه استقرار و استمرار مردمسالاری پویا، و پیشبرد دموکراسی به نقطه‌ای غیرقابل بازگشت است. آرزویی که فقط با شرکت فعال جمهور شهروندان قابل تصور و تحقق است.

علی صدارت

نوزدهم اکتوبر ۲۰۱۳

نکاتی در باره اعلامیه جهانی لائیسیته در قرن بیست و یکم:

۱- تاریخ:

نهم دسمبر ۲۰۰۵

۲- محل:

پارلمان فرانسه

۳- منظور و هدف:

۱-۳- اهداف اصلی:

الف- ایجاد بحث و تبادل نظر در باره لائیسیته و نتایج و بازتاب‌های آن

ب- ارائه گونه‌های جدید نگرش فکری به لائیسیته

ج- فاصله گرفتن از سامانه‌های غربی و فرانسوی

سایر اهداف:

- امسال (۲۰۰۵) صدمین سال لائیسیته است و ما می‌خواهیم از این موقعیت و از این اعلامیه برای انگیزتن نقطه شروعی برای برخوردی ژرف به لائیسیته و نیز برای انگیزتن یک مباحثه بین‌المللی در مورد لائیسیته ایجاد کنیم.

بحث در مورد برخوردهای قابل قبول در مورد لائیسیته

۲-۳- ارائه پیشنهاد روشنی در مورد این که به لائیسیته چگونه باید نگریست.

۴- تولیدکنندگان:

سه دانشگاهی در سه کشور مختلف.

Jean Baubérot – Ecole Pratique des Hautes Etudes

Roberto Blancarte – Collegio de Mexico

Micheline Milot – Université du Québec à Montréal
MEDIA EMBARGO (until December 9, 2005)

۵- متن تهیه و امضاء شده

۶- توضیحات:

۱-۶- اطلاعیه حاوی نظرات و عقاید مختلف و متنوع تهیه‌کنندگان متن است

۶-۲. عدم وجود اجماع کامل میان تهیه‌کنندگان و خوانندگان در مورد مفاد اطلاعیه

تهیه‌کنندگان متذکر شده‌اند:

- "امضاء کردن الزاماً به معنای قبول نتیجه‌گیری‌های اطلاعیه نیست، بلکه فقط به معنای قبول کردن فلسفه تولیدکننده

این متن و میل به یافتن اجماعی که دربرگیرنده نظرات و فرهنگ‌های قاره‌های متفاوت دنیا باشد."

- "امضاء کردن الزاماً به معنای صحه‌گذاری و توصیه راهکارها نیست."

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

(۱) اصول و مفاهیم مردمسالاری

<https://soundcloud.com/arashzarm/alisedarat-05-02-2012>

(۲) نقش من در استقرار و استمرار مردمسالاری

<http://ali-sedarat.blogspot.com/2011/01/blog-post.html>

(۳) فعالیت خودجوش، هسته‌های حقوقمند

<http://www.youtube.com/watch?v=PO8hZE8m2fY&feature=youtu.be>

(۴) اسباب استقلال

<http://ali-sedarat.blogspot.com/2009/08/blog-post.html>

(۵) لائیسیته – فایل تصویری

http://www.youtube.com/watch?v=LPGSNUhev5Q&feature=share&list=TLwunpOF8Ip_5O

[xpmmJ74tVzGG3xObWDw](http://www.youtube.com/watch?v=xpmmJ74tVzGG3xObWDw)

(۶) لائیسیته – فایل صوتی

<https://soundcloud.com/a-banisadr/sedarat-91-12-10>

(۷) رابطه دین و دولت

<http://ali-sedarat.blogspot.com/2009/09/blog-post.html>

(۸) ابهام در لائیسیته و سربازان گمنام امام زمان

<http://ali-sedarat.blogspot.com/2013/09/blog-post.html>

(۹) رسانه‌ها

<http://ali-sedarat.blogspot.com/2011/08/blog-post.html>

(۱۰) فراخوان جبهه، مجامع اسلامی ایرانیان

<http://ali-sedarat.blogspot.com/2011/11/4.html>

(۱۱) پیمان همبستگی ملی جمهوری‌خواهان ایران

http://ali-sedarat.blogspot.com/2013/04/blog-post_20.html

(۱۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر در قرن ۲۱

http://www.china-europa-forum.net/bdfdoc-215_en.html

(۱۳) شاخه چهارم

<http://ali-sedarat.blogspot.com/2013/10/blog-post.html>

(۱۴) اعدام: دو پرسش! در این تصویر، این ده نفر کیستند؟ این سه نفر کیستند؟

<http://ali-sedarat.blogspot.com/2013/10/v-behaviorurldefaultvmlo.html>

(۱۵) ترجمه متن فرانسه اعلامیه جهانی لائیسیته

http://www.jjdl.com/fa/index.php?option=com_content&view=article&id=1469

(۱۶) متن فرانسه اعلامیه جهانی لائیسیته

http://utcp.c.u-tokyo.ac.jp/publications/pdf/UTCPBooklet7_049-058_.pdf

(۱۷) مصاحبه : اعلامیه جهانی لائیسیته (بخش نخست) مقدمه و اصول بنیادین

<http://ali-sedarat.blogspot.com/2013/10/1.html>